

## نشانه‌شناسی معماری بومی منطقه سیستان

\* محمد علی سرگزی

### چکیده

منطقه‌ی سیستان دارای آب و هوایی از نوع خشک و بیابانی، به لحاظ تاریخی و فرهنگی منطقه‌ی سیستان با داشتن تمدنی بالغ بر 5000 سال جزء تمدن‌های کهن ایران محسوب می‌شود. شکل خاص سکونت و معماری این منطقه نتیجه‌ی موقعیت جغرافیایی، شرایط اقلیمی و سابقه‌ی تاریخی این منطقه از کشور می‌باشد.

نتایج مطالعات میدانی نگارنده در منطقه‌ی سیستان که با هدف «نشانه‌شناسی معماری بومی منطقه سیستان» طی سال‌های 1390 تا 1391 خورشیدی صورت گرفته، ثابت می‌نماید که معماری منطقه سیستان ضمن آنکه وجوه مشترکی با معماری سایر نقاط ایران دارد، واجد نشانه‌ها و خصوصیات منحصر به فردی است که زائیده‌ی اقلیم، فرهنگ و سابقه‌ی تاریخی آن است. بادگیر خاص سیستان (کَلک)، خارخانه‌ها و آسیاب‌های بادی سیستان که از نکات برجسته‌ی معماری منطقه در ارتباط با باد و مَبین نوعی معماری پایدار است، نمونه‌هایی از این نشانه‌ها می‌باشد. آیا نشانه‌شناسی و مباحث مربوط به تفسیر در تحلیل معماری بومی کاربرد دارد؟ چه وجوهی از معماری بومی در این پژوهش قابلیت تحلیل دارد؟

این مقاله ضمن تبیین مفاهیم پایه، تشریح فواید و ضرورت‌های نشانه‌شناسی از دیدگاه اندیشمندان، سابقه‌ی موضوع و تشریح کاربرد نشانه‌شناسی در تفسیر معماری، به روشی تحلیلی و اسنادی در صدد جستجو و تحلیل معماری بومی سیستان از منظر نشانه‌شناسی می‌باشد.

روش تحقیق در این پژوهش تحلیلی و اسنادی بر پایه‌ی مطالعات میدانی است که با بهره‌گیری از منابع موجود و پس از بیان پیشینه‌ای از دیدگاه‌های متقدمین نشانه‌شناسی پیرامون نشانه، زمینه‌های مشترک بین معماری و نشانه‌شناسی مشخص گردیده و پس از بررسی و تحلیل معماری بومی سیستان، وجوه این معماری از منظر نشانه‌شناسی مورد دسته‌بندی قرار گرفته است. این نشانه‌ها در صورت معاصر سازی، می‌تواند معماریی خلق نماید که نشانه‌هایی از گذشته این بوم را هم در خود داشته باشد.

**واژگان کلیدی:** نشانه‌شناسی، معماری بومی، مسکن بومی، سیستان.

\* عضو هیأت علمی، مربی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

تاریخ دریافت: 1391/2/20 تاریخ پذیرش: 1391/6/15



## مقدمه

در خصوص تحلیل محوطه‌ها و بناهای تاریخی منطقه سیستان که یکی از مراکز تمدن کهن ایران محسوب می‌شود، تاکنون کارهای متعددی صورت گرفته است. گزارش‌های پژوهشی مراکز علمی منطقه در زمینه‌ی وجوه باستان‌شناسانه‌ی آثار و همچنین علوم محیطی منطقه سیستان، دستاوردهای علمی مفیدی ارائه نموده‌اند در عین حال، شناخت و تحلیل وجوه معمارانه بناها کمتر مورد نظر مطالعات قبلی بوده است. مطالعات اولیه جهت دستیابی به ابزاری مناسب برای بررسی و تحلیل معماری نشان می‌دهد که استفاده از نشانه‌شناسی، نتایج مهمی در علوم انسانی داشته و طی دهه‌های اخیر (از حدود 1970 م.) دامنه‌ی آن به تحلیل هنرهای تجسمی و تفسیر معماری نیز سرایت نموده است. مروری بر ادبیات موضوع، مشخص می‌نماید پژوهش‌ها و مطالعات موجود در این زمینه مربوط به دو عرصه‌ی مجزای نشانه‌شناسی، تفسیر و تأویل متن از یک سو و معماری از سوی دیگر می‌باشد. به همین دلیل رویکرد این پژوهش، شناخت دقیق‌تر هر دو عرصه و یافتن زمینه‌های مشترک آنها و نهایتاً دستیابی به روشی جهت تحلیل معماری بومی از منظر نشانه‌شناسی می‌باشد. در راستای موضوعات مطرح شده، فرضیاتی با توجه به مطالب مورد نظر ارائه می‌گردد که عبارت است از: 1- مباحث مربوط به معماری، از جهاتی معنایی بوده و قابلیت تفسیر و نشانه‌شناسی دارند 2- انواع تمهیدات و جزئیات به کار رفته در معماری بومی منطقه سیستان، از نقطه‌نظر ارتباط با معنایی که منتقل می‌کنند متفاوت بوده و در دسته‌بندی‌های مختلفی قرار می‌گیرند.

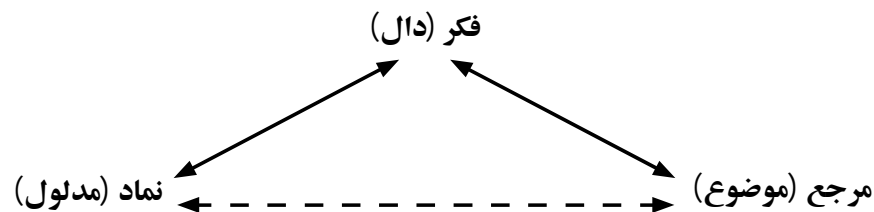
## نشانه‌شناسی

نشانه‌شناسی دانشی است با پیشینه‌ای بسیار کهن و در تقریراتی که در تاریخ این علم وجود دارد، می‌توان ردّ قلم بسیاری از چهره‌های شاخص تاریخ فلسفه و اندیشه، از افلاطون و ارسطو گرفته تا سن آگوستین و ویلیام اوکام را یافت (کابلی و یانتس، 1380: 68) بنیادی‌ترین مفهوم در نشانه‌شناسی، نشانه<sup>1</sup> است. نشانه‌شناسی<sup>2</sup> در اصل به معنای علم نشانه‌ها است. واژه‌ی سمیوتیک از ریشه‌ی یونانی سمیون<sup>3</sup> یا نشانه است و از آن برای توصیف تلاشی نظام یافته برای فهم این مسئله که نشانه‌ها چیستند و چگونه عمل می‌کنند استفاده می‌شود اصطلاح نشانه‌شناسی توسط سی اس پیرس<sup>4</sup>، فیلسوف آمریکایی مطرح شده و اصطلاح علم نشانه‌ها را فردینان دو سوسور<sup>5</sup>، زبان‌شناس سویسی به کار برده است هر دو اصطلاح به چگونگی تولید و انتقال معانی مربوط می‌شوند (آسپرگر، 1379: 84-83). اگرچه در تلقی نشانه‌شناسی به عنوان یک علم، اختلاف نظرهایی هم وجود دارد؛ «نشانه‌شناسی را باید به عنوان یک روش برای بررسی هر پدیده در نظر بگیریم نه اینکه آن را علم تلقی کنیم» (احمدی، 1370: 19). از منظر کارکرد، نشانه‌شناسی با تمام چیزهایی سر و کار دارد که می‌تواند به جای چیزهای دیگر بر معنایی دلالت کنند (همان: 32) و نشانه‌شناسی پدیده‌ای است که امروزه در هنرهای گوناگون، علوم اجتماعی، مردم‌شناسی، علوم زیستی، حمل و نقل و ترافیک و



ادبیات مطرح شده است (شمیسا، 1370: 19). به نظر جان فیسک و جان هارتلی، توجه اصلی نشانه‌شناسی معطوف است به نسبت میان نشانه و معنای آن؛ روشی که در آن نشانه‌ها با هم ترکیب می‌شوند و صورت رمز به خود می‌گیرند (Baudrillard, 2005: 45) و نشانه‌شناسی به دنبال پاسخ به این پرسش است که معناها چگونه ساخته می‌شوند و واقعیت چطور بازنمایی می‌شود (چندلر، 1387: 317). معنای نشانه به رمزی که در آن قرار گرفته بستگی دارد. بنابراین رمزگان، نشانه‌ها را به نظام‌های معنادار تبدیل می‌سازد (ماجدی و زرآبادی، 1389: 51). نشانه‌ها ممکن است منش کلامی، تصویری، آوایی یا بساواایی به خود بگیرند؛ اما بدیهی است که این امور به تنهایی دارای معنا نیستند و معنا چیزی است که ما به آن می‌افزاییم (ضمیران، 1382: 40).

نشانه محرک یا جوهر محسوسی است که تصویر ذهنی آن، در ذهن ما با تصویر ذهنی محرکی دیگر تداعی می‌شود. کارکرد محرک نخست برانگیختن محرک دوم با هدف برقراری ارتباط است (گیرو، 1383: 39)؛ بنابراین یک شرط اساسی برای نشانه، ایجاد فرآیند دلالت به معنی ایجاد واکنشی تفسیری در مخاطب می‌باشد (Eco, 1979: 8) به این ترتیب، هیچ چیز نشانه نیست مگر این که به عنوان «دالت‌گر»، ارجاع دهنده یا اشاره‌گر به چیزی غیر از خودش تلقی شود (ماجدی و زرآبادی، 1389: 50). از دیگر سو نشانه‌ها بر اساس دسته‌بندی پیرس به سه دسته تقسیم می‌شوند: 1- نمایه<sup>6</sup>: نشانه‌ای که میان صورت و معنی‌اش رابطه‌ی علی وجود داشته باشد؛ 2- شمایل<sup>7</sup>: نشانه‌ای که میان نشانه و مصداق نوعی رابطه‌ی صوری وجود داشته باشد؛ 3- نماد<sup>8</sup>: نشانه‌ای که میان صورت و معنی‌اش رابطه‌ی کاملاً قراردادی (قرارداد نشانه‌شناسیک) وجود داشته باشد (امرابی، 1390: 68). رولان بارت نشانه‌شناسی را در مرجع (موضوع)، فکر (دال) و نماد (مدلول) خلاصه و در قالب مثلث پایه نشانه‌شناسی ذیل تعریف می‌نماید (نمودار 1). صرف نظر از اینکه نشانه‌شناسی علم است یا روش و اینکه در میان تعاریف مطرح شده از نشانه و نشانه‌شناسی جامعیت و اتفاق نظر وجود ندارد، وجه غالب اکثر تعاریف مربوط به نشانه، معنا و مفهومی است که می‌توان از نشانه دریافت نمود و در واقع «فرآیند دلالت» می‌باشد. به این معنی که نشانه، دال را به مدلول خود وابسته می‌کند که در نشانه‌های نمایه‌ای رابطه‌ی علی، در نشانه‌های شمایی، رابطه‌ی صوری و در نشانه‌های نمادین،



نمودار 1- مثلث پایه نشانه‌شناسی رولان بارت (لنگ، عینی فر، 1383: 231).



رابطه‌ی قراردادی دال را به مدلول وابسته می‌کند. «این روش بیشتر از آنکه به عنوان روشی برای ایجاد تمایز میان انواع نشانه مفید باشد، روش‌های ارتباط میان حامل‌های نشانه و موارد ارجاعی را نشان می‌دهد» (چندلر، 1387: 66).

انسان در میان تمامی موجودات، گونه‌ای است که به شدت میل به معنا سازی دارد و معنا را از طریق تولید و تفسیر نشانه‌ها به وجود می‌آورد (ماجدی و زرآبادی، 1389: 50). علاوه بر آن، هنر برای ورود به عرصه‌ی معنا و محتوا، جز رمزپردازی و آیه‌پردازی و شیوه‌های نمادگرایانه و تمثیلی، راه دیگری ندارد (نقره‌کار، 1389: 294). بررسی تاریخ نماد نشان می‌دهد که هر موضوعی می‌تواند ارزشی نمادین پیدا کند؛ چه شیئی طبیعی باشد و چه امری مجرد (اشکال هندسی، اعداد و ...). در برداشت فرویدی از این واژه، نماد پیوندی است که محتوای ظاهر هر رفتار، هر تفکر و هر سخنی را به مفاهیم پنهان آن وصل می‌کند (شوالیه و گرابران، 1378: 35).

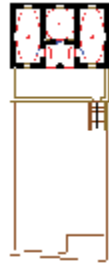
### معماری بومی منطقه سیستان

منطقه سیستان در محدوده‌ی جغرافیایی بین 30 درجه و 12 دقیقه الی 31 درجه و 28 دقیقه عرض شمالی و 60 درجه و 59 دقیقه الی 61 درجه و 50 دقیقه طول شرقی قرار گرفته و به صورت یک پیشروی از خاک ایران در خاک افغانستان نمایان می‌گردد. آب و هوای منطقه‌ی سیستان بر اساس روش‌های مختلف پهنه‌بندی اقلیمی، از نوع گرم و خشک و بیابانی معتدل است (سازمان هواشناسی کشور، 1389: 3-1) از نقطه نظر اقلیمی، اصول عمده‌ی طراحی در بافت و مسکن بومی منطقه سیستان که باعث ایجاد آسایش طبیعی در اکثر روزهای سال شده و نیاز به انرژی فسیلی را به حداقل می‌رساند، اصول کلی بافت و مسکن اقلیم گرم و خشک است (توسلی، 1381: 119-116). در ادامه به ویژگی‌های معماری در این منطقه اشاره می‌شود:

- 1- روستاهای منطقه‌ی سیستان دارای بافتی متراکم می‌باشند. (تصویر 1) در اقلیم گرم و خشک بایستی فرم پلان فشرده باشد تا سطوح کمتری در مقابل نور خورشید قرار گیرد (خدابخشی و مفیدی، 1380: 608).
- 2- بازشوهای معماری روستایی منطقه حداقل بوده، از نفوذ آفتاب به داخل فضاها جلوگیری می‌شود (تصویر 2).
- 3- معماری بومی این منطقه به دلیل بهره‌گیری از باد شمالی و همچنین نور خورشید در جهت شرقی - غربی گسترده شده است (تصاویر 2 و 3).



تصویر 1- روستای قلعه‌نو سیستان، 1388  
(مأخذ: آرشیونگارنده)



تصویر 3- پلان منزل مسکونی کیانی (روستای قلعه نو) (مأخذ: آرشینو نگارنده).



تصویر 2- پلان منزل مسکونی کیانی (روستای قلعه نو) (مأخذ: آرشینو نگارنده).



تصویر 5- نمونه‌ای از خارخانه‌های منطقه سیستان (مأخذ: آرشینو نگارنده).



تصویر 4- نوع گنبد و بادگیر منطقه سیستان (مأخذ: آرشینو نگارنده).

### معاونت پژوهشی

- 4- ساخت و سازها در منطقه سیستان عمدتاً ال شکل و رو به جنوب و شرق (تصویر 2) و یا یک طرفه و رو به جنوب می‌باشد (تصویر 3).
- 5- معماری بومی منطقه سیستان از نظر فضایی شامل فضاهای بسته، نیمه بسته و باز می‌باشد (تصویر 2).
- 6- از دیگر مشخصه‌های معماری منطقه می‌توان به بلندی دیوارها و سقف گنبدی شکل خانه‌ها اشاره کرد (تصاویر 6 و 7).
- 7- وفور خاک رس به عنوان ماده اولیه‌ی خشت و آجر و نیز در مواقع پراپی هامون‌ها، وجود نی از قابلیت‌های خاص منطقه است که به عنوان یک امکان همیشگی و بومی مورد تأکید معماری منطقه بوده است. مصالح به کار رفته در بدنه‌های بیرونی، عمدتاً خشت و گل و بعضاً آجر می‌باشد (تصاویر 1 تا 5). البته در پی و دل دیوارها و نیز در ساختمان تاق و سقف بناها به طور پراکنده از آجر نیز استفاده شده است (موسوی حاجی، 1389: 82).
- 8- در منطقه سیستان یکی از ظرایف معماری بومی، بهره‌گیری از بادگیر خاص سیستان -معروف به (کُک) - می‌باشد. اغلب خانه‌های با معماری بومی، دارای بادگیر هستند. بادگیرها کوتاه، یک دهانه‌ای و یک طرفه می‌باشند (تصویر 2). البته این شکل





تصویر 7- نمونه‌ای از گنبد‌های سیستان با پلان مستطیل (مأخذ: آرشیونگارنده).



تصویر 6- نمونه‌ای از جان پناه‌های مشبک سیستان (مأخذ: آرشیونگارنده).

خاص بادگیر با توجه به سرعت بالای بادهای سیستان مورد استفاده قرار گرفته است که دهانه‌ی ورودی آن حدود 70 سانتیمتر ارتفاع و 40 سانتیمتر طول دارد. این شکل خاص بادگیر و حفره‌ی داخل آن در مواقع توقف باد به عنوان دریچه‌ای در سقف می‌تواند به همراه ارتفاع بلند اتاق، جریان طبیعی هوا از پایین به بالا به وجود آورد (قبادیان، 1387: 141).

9- در اقلیم گرم و خشک، تبخیر آب می‌تواند موجب کاهش دمای هوا شود (زندیه و پروردی فرد، 1389: 10). در معماری بومی منطقه سیستان، در فقدان عناصر معماری همچون پایاب، سرداب، حوضخانه و آبنا (حوض بزرگ) وسط حیاط به دلیل کمبود آب، جهت مرطوب نمودن بادهای خشک و گرم منطقه، با حفر گودالی در زمین و تعبیه‌ی خار مرطوب در آن (در جلوی منافذ رو به باد بناها) اقدام به ایجاد تأسیسات سرمایه‌ی به نام خارخانه می‌نموده‌اند تا توسط بروود ناشی از تبخیر قطرات آب موجود در خارها هوای داخل ساختمان خنک شود (رازجویان، 1367: 41).

10- از ویژگی‌های فرمی در معماری بومی منطقه، وجود جان پناه‌های مشبک در بام خانه‌ها است. این جان پناه‌ها ضمن تأمین حفاظ در بام خانه با ایجاد جریان هوا و خنکی در بام‌ها، علاوه بر ایجاد دید و منظر زیبا، محل مناسبی برای خواب در شب را فراهم نموده است (توسلی، 1381: 119). تکرار هماهنگ سطوح پر و خالی که آسمان را به درون بنا وارد می‌کند از زیبایی‌های قابل توجه در معماری بومی سیستان است.

11- گنبد‌های منطقه سیستان نوع خاصی از گنبد است که قابلیت و خصوصیت ویژه‌ی آنها، اجرا روی پلان مستطیل می‌باشد (تصویر 7). از خصوصیات اقلیمی گنبد در مناطق گرم و خشک، ایجاد تهویه طبیعی عمودی در اطلاق است. این خصوصیت به کمک دریچه‌ی موجود در بادگیر می‌تواند یک جریان طبیعی هوا از پایین به بالا به وجود آورد.

### تحلیل معماری بومی منطقه سیستان از منظر نشانه‌شناسی

بررسی معماری بومی منطقه سیستان نشان می‌دهد: اگر چه از جنبه‌ی تکنیکی و فنی، گنبد، بادگیر و آسیاب بادی، ویژگی برجسته‌ی این معماری است، اما از نظر

تنوع فرم‌های مورد استفاده در پلان، نما و تزئینات و تنوع مصالح، این معماری ویژگی برجسته‌ای در قیاس با معماری سایر مناطق ایران ندارد. با این وجود، سیمای معماری بومی منطقه واجد قابلیت‌هایی است که می‌تواند واکنش و تحسین ناظران را سبب شود. یوجین راسکین معتقد است «اثر معماری را به سه طریق می‌توان فهمید: نخست از راه کشف هدف خلاقه طرح، دوم از طریق تحلیل و استنتاج نهایی و بالقوه بنا و سوم از طریق واکنش ناظر» (فون مایس، 1384: 255). نوروزی طلب، توانایی هنرمند را وابسته به تکنیک می‌داند که به ماده مستعد، شکل می‌دهد تا آن شکل، مطابق صور ذهنی هنرمند شود (نوروزی طلب، 1389: 85-84)؛ لذا رمز موفقیت هنرهای تجسمی از منظر تأثیر بر مخاطب بر دو عامل استوار است: تکنیک هنرمند و استعداد ماده. ویژگی بارز انسان هنرمند، کمال‌گرایی است و از سوی دیگر، قابلیت‌های محدود طبیعت (از نظر آب، پوشش گیاهی و ...) و سیما و منظر تپه ماهوری با فرم‌های نرم آن، ویژگی‌های بارز کویر و اقلیم گرم و خشک می‌باشد. درباره ارتباط معماری و معنا، نقره کار با اشاره به گفتگوی اردلان دیبا چنین نقل قول می‌کند: «برای انسان هنرمند، همیشه ماده و مصالح، وسایلی برای حقیقتی والاتر بوده، حتی هرگاه بحث سقف و سرپناه هم مطرح گردیده، آن سقف هم وسیله‌ای برای عروج بوده است.» (نقره کار، 1389: 287)

بررسی ویژگی‌های معماری بومی منطقه و تطبیق آن با اصول معماری اقلیم گرم و خشک، ثابت می‌کنند که این معماری، تمهیدات لازم را در جهت تنظیم شرایط محیطی و تطابق با اقلیم خود (کویر) به کار گرفته است. بنابراین اولین هدف معماری که ایجاد سرپناه امن و آسایش می‌باشد، تأمین شده است. این بررسی‌ها همچنین نشان می‌دهد:

- 1- محدودیت‌های موجود در این منطقه از نظر تأمین آب، استفاده از آب به صورت حوض، سرداب و ... را به حداقل رسانیده است؛ راهکار معماری بومی منطقه جهت ایجاد رطوبت در فضا، ابداع سیستم سرمایشی خارخانه می‌باشد؛ 2- بادهای 120 روزهی سیستان یکی از مشخصه‌های بارز این منطقه است. تأثیر بارز این موهبت الهی، بر شکل بادگیر سیستان می‌باشد. بادگیرهای این منطقه به تبع جریان سریع و یک‌طرفه باد، یک‌طرفه و با دهانه‌ی ورودی کوچک شکل گرفته است. تأثیر دیگر باد منطقه، به کارگیری سیستم آسیاب بادی می‌باشد که از سرعت باد منطقه در جهت چرخش سنگ آسیاب بهره برداری شده است.

اینها همه ابعاد فنی معماری است. در این مرتبه، چهار رکن خاک و باد و آتش و آب، به عنوان نماد صفات عمده و معمولی، ماده جسمانی را در دنیای خاکی بروز می‌دهد (اردلان و بختیار، 1390: 88). برای اینکه ساختمان بتواند اثر معماری خوانده شود، باید در بردارنده‌ی ویژگی‌هایی باشد: به جز ابعاد و تناسبات صحیح و فنی ظاهری، که کمیت یا قالب بنا است، باید خصوصیات و جاذبه‌های معنوی را نیز در خود داشته باشد که روح یا کیفیت، حاصل از آن است (فون مایس، 1384: 255). به لحاظ سیمای بصری، تصویر 1 که منظره‌ای از بافت مسکونی این منطقه است، حداکثر قابلیت‌های فرمی را جهت ایجاد تصویر ذهنی برگرفته از فرم تپه ماهوری و نرم کویر دارا می‌باشد. این فرم



بصری می‌تواند تکنیک هنرمند را در بروز قابلیت و استعداد ماده نشان دهد و کاری هنری و معنادار به حساب آید و احساسی را منتقل نماید که وجود آن در اثر معماری الزامی است. اگر این احساس ملایم باشد، معماری هم ملایم خواهد بود و اگر احساس عظیم باشد معماری هم عظیم خواهد بود و سرانجام اگر هیچ احساسی وجود نداشته باشد معماری نیز وجود نخواهد داشت؛ بلکه فقط ساختمان نمود خواهد یافت (همان: 256). نمونه‌ی دیگر این تکنیک‌ها، سقف گنبدی شکل است. «سقف گنبدی، بدل کوچکی از گنبد آسمان است» (اردلان و بختیار، 1390: 67). اگر چه سقف‌های گنبدی پاسخ مناسبی برای اقلیم و مصالح بومی منطقه می‌باشد، ولی تنها گزینه‌ی معمار بومی نبوده است. یکی از علل انتخاب این نوع سقف در معماری ایران می‌تواند ایجاد همین نظام استعاره‌ای بین گنبد و آسمان بوده باشد. این امر وقتی بیشتر تأیید می‌شود که در یک بافت شهری منظره‌ای واحد ولی متنوع از حیاط‌ها و گنبدها ببینیم. به تعبیر استیرلن از بافت شهرهای کویری، بر گستره‌ی شهر دو گونه عارضه دیده می‌شود: گودی‌ها و گوژها. این دو گونه در وحدت سطحی ایجاد شده، گونه‌گونگی و تنوعی پدید می‌آورند» (استیرلن، 1377: 59).

از منظر ارتباط معماری بومی با طبیعت، توصیف نصر در مورد رویکرد خاص طبیعت‌گرایانه معماری قابل توجه است به نظر وی، امروزه بسیار سخن از آن می‌رود که معماری را به صورتی در آورند که چشم‌انداز ساخته‌های بشری با طبیعت هماهنگ باشد؛ در حالی که روستاها و شهرها در جهان اسلام، همچون تمدن‌های سنتی دیگر، مدت‌ها پیش، این هدف را تأمین کرده‌اند. کافی است در امتداد دره‌های سرسبز مازندران یا در دامنه‌های کوه‌های شکوهمند البرز و هندوکش که از آناتولی شرقی تا افغانستان ممتد است، سفری بکنیم تا ببینیم چگونه بافت شهرها و روستاها به صورت جزئی از چشم‌انداز کلی طبیعت در آمده و ماندگاره‌هایی برای انسان‌ها فراهم آمده است که در عین زیبایی و کارآمدی، به جای آنکه با محیط طبیعی در حال ناسازگاری و مبارزه باشد، با آن کمال هماهنگی و موازنه را دارد (نقره کار، 1389: 258). بررسی این موضوع در معماری بومی منطقه سیستان، حاکی از توجه به این نکته است که، امکانات طبیعی کویر محدود است و دست کم، معماری بومی کویر ضمن اینکه از حداقل‌ها، حداکثر ساخته است، حداقل گراست. حداقل در مصرف اجزای طبیعت، هر فضا در طی شبانه روز چند عملکرد را عهده‌دار می‌شود. این خصلت مردمان کویر است که طبیعت را گرمی‌بدارند و کمترین دخل و تصرف را در طبیعت ایجاد نمایند. بافت معماری بومی منطقه آن گونه که در تصاویر دیده می‌شود، همانند یک لایه از طبیعت درآمدی و چیزی جدای از طبیعت نیست و به تعبیر نصر، در عین زیبایی و کارآمدی، کمال هماهنگی و موازنه را با آن دارد.

تحلیل معماری بومی منطقه‌ی سیستان از منظر نشانه‌شناسی ثابت می‌نماید که مباحث مربوط به این معماری، از جهاتی علی و از جهاتی قراردادی و معنایی است؛ لذا بنا به تعاریف و کاربردهای نشانه‌شناسی، این معماری قابلیت تفسیر و نشانه‌شناسی دارد. همچنین وجوه مختلف معماری بومی سیستان نشان می‌دهد که در غالب نشانه‌های



معماری منطقه، فرآیند دلالت موجود، رابطه‌ی علی بین دال و مدلول را تعقیب می‌نماید؛ اکثر نشانه‌ها ریشه در یک علت دارد تا رابطه‌ای صوری و البته در مواردی هم از جمله هندسه، گنبد و سیمای بافت، رابطه‌ای معنایی، مبنای شکل‌گیری نشانه‌ها بوده است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که نشانه در معماری بومی منطقه سیستان وجود داشته و بنا به نوع رابطه دال و مدلول، قابل دسته‌بندی بر اساس دیدگاه پیرس می‌باشد. نشانه‌های موجود در دو دسته نشانه‌های نمایه‌ای و نشانه‌های نمادی قابل تقسیم خواهند بود.

### نتیجه‌گیری

معماری بومی منطقه سیستان اگر چه نتوانسته هم‌پای معماری دیگر نقاط ایران تکامل یابد، با این حال به ویژگی‌ها و نشانه‌های مناسبی دست یافته که در صورت معاصر سازی و به کارگیری، امروزه نیز می‌تواند قابلیت‌های ویژه‌ای در معماری این منطقه ایجاد نماید. شکل خاص بادگیر سیستان (کلک)، خارخانه‌ها و آسیاب‌های بادی که از نکات برجسته‌ی معماری منطقه در ارتباط با باد می‌باشد، نشانه‌هایی از معماری منطقه سیستان است. این تحقیق نشان می‌دهد وجوه مختلف معماری منطقه‌ی سیستان، قابلیت تفسیر و نشانه‌شناسی دارند؛ همچنین ثابت شد که در غالب نشانه‌های معماری منطقه، فرآیند دلالت موجود، رابطه‌ی علی بین دال و مدلول را تعقیب می‌نماید و اکثر نشانه‌ها ریشه در یک علت دارند تا رابطه‌ای صوری و در موارد معدودی از جمله هندسه، گنبد و سیمای بافت، رابطه‌ای معنایی، مبنای شکل‌گیری نشانه‌ها بوده است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که نشانه در معماری بومی منطقه سیستان وجود داشته و بنا به نوع رابطه‌ی دال و مدلول، قابل دسته‌بندی بر اساس دیدگاه پیرس می‌باشد. بنا بر این نشانه‌های موجود در دو دسته نشانه‌های نمایه‌ای و نشانه‌های نمادی قابل تقسیم خواهند بود. در نهایت، معاصر سازی و به کارگیری این نشانه‌ها در معماری جدید منطقه، می‌تواند بناهایی که نشانه‌هایی از گذشته این بوم را هم در خود داشته باشد، خلق نماید.

\*\*\*



پی نوشت‌ها:

Sign-1

Semiotics -2

Semion -3

Charles Sanders Peirce -4

Ferdinand de Saussure -5

Index -6

Icon -7

Symbol -8

### فهرست منابع

- آسابرگر، آرتور (1379)، نقد فرهنگی، ترجمه حمیرا مشیرزاده، انتشارات باز، تهران.
- احمدی، بابک (1370)، ساختار و تأویل متن، چاپ اول، انتشارات مرکز، تهران.
- اردلان، نادر و بختیار، لاله (1390)، حس وحدت، ترجمه و نداد جلیلی، چاپ اول، علم معمار، تهران.
- استیرلن، هانری (1377)، اصفهان - تصویر بهشت، ترجمه جمشید ارجمند، تندیس نقره‌ای، تهران.
- امرایی، بابک (1390)، تحلیل‌الشانه شناختی طراحی پست مدرن، باغ نظر، سال هشتم، شماره 16، بهار 90، صص 65-78.
- توسلی، محمود (1381)، ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران، چاپ چهارم، انتشارات پیام: پیوند نو، تهران.
- چندلر، دانیل (1387)، مبانی نشانه‌شناسی، ترجمه مهدی پارسا زیر نظر فرزانه سجودی، انتشارات سوره مهر، تهران.
- خدابخشی، شهره و مفیدی، سید مجید (1380)، ساخت و ساز پایدار در ارتباط با معماری سنتی ایران، کمیته ملی انرژی جمهوری اسلامی ایران، معاونت امور برق و انرژی وزارت نیرو، صص 600-616.
- رازجویان، محمود (1367)، آسایش به وسیله معماری همساز با اقلیم، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- زندیه، مهدی و پروردی فرد، سمیرا (1389)، توسعه پایدار و مفاهیم آن در معماری مسکونی ایران، مسکن و محیط روستا، شماره 130، صص 2-21.
- سازمان هواشناسی کشور، (1389)، گزارش کاربردی مرکز تحقیقات هواشناسی استان سیستان و بلوچستان، گروه اقلیم‌شناسی خشکسالی، طبقه بندی اقلیمی استان سیستان و بلوچستان.



- شمیسا، سیروس (1370)، بیان، چاپ اول، انتشارات فردوس، تهران.
- شوالیه، ژان و گرابران، آلن (1378)، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضایی، چاپ اول، انتشارات جیحون، تهران.
- ضیمران، محمد (1382)، درآمدی بر نشانه شناسی هنر، نشر قصه، تهران.
- فون مایس، پی یر (1384)، نگاهی به مبانی معماری (از فرم تا مکان)، ترجمه آیوازیان، چاپ دوم، دانشگاه تهران، تهران.
- قبادیان، وحید (1387)، بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران، چاپ پنجم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- کابلی، پل و یانتس، لیتز (1380)، نشانه شناسی، ترجمه محمد نبوی، نشر و پژوهش شیرازه، تهران.
- گیرو، پی یر (1383)، نشانه شناسی، ترجمه محمد نبوی، نشر آگاه، تهران.
- لنگ، جان، (1383)، آفرینش نظریه معماری، ترجمه علیرضا عینی فر، چاپ دوم، دانشگاه تهران، تهران
- ماجدی، حمید و زرآبادی، زهرا السادات سعیده (1389)، جستاری در نشانه شناسی شهری، آرمانشهر، شماره 4، بهار و تابستان 89، صص 49-56.
- موسوی حاجی، سیدرسول (1389)، بررسی ویژگی‌های محیطی شهر تاریخی زاهدان کهنه، جغرافیا و توسعه، شماره 20، زمستان 1389 صص 79-95.
- نقره کار، عبدالحمید (1389)، مبانی نظری معماری، پیام نور، تهران.
- نوروزی طلب، علیرضا (1389)، جستاری در شکل شناسی اثر هنری و دریافت معنا، باغ نظر، شماره چهارده، سال هفتم، تابستان 89، صص 69-86.
- Baudrillard, Jean (2005), *The System of Objects*, James Benedict, London.
- Eco, U. (1979) , *A theory of semiotics*, Milan

